

بِسْمِ رَبِّنا الْاَقْدَسِ الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْاَبْهِيِّ

حمد مقدّس از ما عند النَّاسِ محبوبی را سزااست که جمیع عالم را بکلمهٔ واحده خلق فرمود و بعرفان و دانش مزین نمود تا کل از ریح وصال ییاشامند و از کوثر بیان بعرفان مرزوق گردند برخی از عباد از جذب کلمهٔ الهیّه بکمال شوق و شغف و جذب و انجذاب بمطلع ظهور و مشرق وحی اقبال نمودند و بعضی نظر باحتجابات ظنون و اوهام از محبوب خود محروم ماندند نه ندایش را اصغا نمودند و نه بافکش فائز گشتند از کوثر وصال محرومند و از ریح لقا ممنوع مع آنکه نار طلب در کل مشتعل و در لیالی و ایام بذکر ایام ظهور مالک انام مشغول ولکن چون ید قدرت حجاب را خرق نمود و انوار آفتاب حقیقت از خلف سحاب اشراق نمود کل در تیه اوهام و بادیه‌های ظنون سرگردان مشاهده شدند طوبی از برای نفسیکه فائز شد بانچه مقصود عالمیانست لله الحمد که آنجناب مرّه بعد مرّه و کرّه بعد کرّه بغایت قصوی و مقصود من فی الارض و السّمَاء فائز شدند ندای مالک اسما را شنیدند و بعنایتش فائز گشتند هنیئاً لک و مریناً لجنابک حق شاهد و گواہست که از روزیکه آنمحبوب حسب الامر بوطن ظاهر راجع شدند در کلّ اوان در نظر اینعبد بوده‌اند و در ساحت امنع اقدس اعلا هم مذکورند دو طغرا دستخط آنجناب مسرّت و ابتهاج بخشید یکی از آن دو در این لیل که لیل پانزدهم ماه مبارک رمضانست رسید و بعد از ملاحظه اینعبد بساحت اقدس فائز و تمام آنرا معروض داشت هذا ما نطق به لسان القدم فیهذا المقام قال عزّ کبریّانه

یا نبیل یا ایّھا المسافر الی اللّٰه قد سمعنا ضججک و صریخک و حنینک فی حبّ اللّٰه انا کنا معک و نکون معک فضلاً من لدنا انّ ربّک لهُوَ الْفَضَّلُ الْکَرِیْمُ و اربناک فی المنام ما سرّ به فؤادک و انشرح به صدرک و قرّت به عینک ان ربّک لهُوَ الشّاهِدُ السّمِیْعُ قد عرض العبد الحاضر ما فی کتابک اجبناک من قبل و فیهذا الحین انّ ربّک لهُوَ الْکَرِیْمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ از نسیم صبح الهی بیدار شدی و یوم اللّٰه را ادراک نمودی ندائش را شنیدی و از قلب و لسان و ارکان بقول بلی و لبیک مؤید گشتی در وقتیکه غفلت ارض را احاطه نموده بود تو از کلمه آگاه شدی جمیع ابصار از برای این یوم خلق شده و جمیع آذان از برای این یوم بوده ولکن بعد از طلوع و ظهور و اشراق کل محروم و محجوب مشاهده شدند الا معدودی و آن معدود از اهل فردوس اعلیٰ لدی اللّٰه مذکور یا ایّھا السّالک الی سیلی و التّائظر الی افقی حمد کن مالک قدم را که ترا بمقامی فائز فرمود که قلم اعلیٰ در بارهات شهادت داده اینمقام بسیار عظیم است ان اعرف و کن من الشّاکرین انشاء اللّٰه باید آنچه تلقّاء وجه اصغا نمودی بعمل بآن شوی حکمت از نظر نرود چه که از اعظم احکام الهی بوده و هست باید در کلّ احوال باو متمسک باشی کوثر عرفان را آشامیدی ولکن باید اثر آن از لب ظاهر نشود اینست حکمیکه بآن مأموری و باید بآن عامل شوی آنچه الیوم سبب تسکین عباد است بآن باید متمسک جست چه اگر ضوضا مرتفع شود سبب اضطراب و انقلاب نفوس ضعیفه خواهد شد حق جلّ جلاله کریم است و رحمتش سبقت گرفته کلّ وجود را از غیب و شهود انا قلنا من قبل لا تطمئن من کلّ وارد و لا تصدّق کلّ قائل از هر نفسی نباید مطمئن شد و نزد هر نفسی هم نشاید لؤلؤ محبت الهی را اظهار نمود چه که اکثر عباد سارق و خائن و ملحد مشاهده میشوند ان ربّک یقول الحقّ و یهدی السّبیل و هو العزیز الجمیل انتھی

از آیات منزله و بیانات مالک احدیّه فضل و رحمت و عنایت و شفقت حق جلّ جلاله نسبت بانجناب واضح و لائحست یا محبوب فؤادی لعمر اللّٰه بمقام عظیم فائز شدید الیوم شأن آن معلوم نیست چه که ظاهر نیست ولکن البتّه اینمقام بر عالمیان ظاهر و هویدا خواهد شد حسب الامر باید آنجناب بجمیع وسائل ستر متمسک باشند چه اگر امر آنجناب واضح شود بیم آنست که ضرر وارد گردد و این منافی است با حکمیکه مأمورید بآن از نزد حق با کل بحکمت و مدارا رفتار نمائید حال

حفظ وجود آنجناب بر خود آنجناب و سایر دوستان لازم است چه که بخدمت امر قائمید و اینمقام اعظمست از سایر مقامهای بلند اعلی که استماع شده و میشود از حق این خادم فانی میطلبد که شما را بآنچه امر فرموده مؤید فرماید آنه لهو المقتدر القدیر

از جمله عنایت حق آنکه در حینیکه مکتوب آنجناب عرض شد همان حین جواب از سماء مرحمت و عنایت نازل آن ربنا الرحمن لهو الفضل المشفق المعطى الغفور الکریم اینکلمه در دستخط آنمحبوب مرقوم بود گردنیکه بعشق بلند شد البته بشمشیر افتد و سریکه بحب برافراخت البته بیاد رود و قلبیکه بذکر محبوب پیوست البته پرخون خواهد شد اینمراتب در پیشگاه حضور معروض گشت فرمودند شما از فضل الهی و رحمت نامتناهی ربانی بشهادت کبری فائزید و اینمقام فوق شهادت ظاهر است هر نفسی الیوم باراده الهی تمسک جست و بمشیت او فائز گشت او بشهادت کبری فائز است چه که از خود و اراده و مشیت خود فانیست و باراده و مشیت حق جل جلاله و عم نواله باقی و متحرک لذا ابداً در فکر شهادت ظاهره مباش باعلای از آن فائزى بکمال صبر و سکون و وقار باید حرکت نمائی اظهار کلمه‌ئی که سبب ضوضا و غوغای عباد شود جایز نه و در کتاب الهی نهی شده نهیاً عظیماً با دوستی و بذکر او مشغول و مشغوفی و بخدمتش قائم کدام مقام اعظم از اینمقام است قسم باقتاب بیان که از افق سجن طالعت که مقامی اعظم از اینمقام نبوده و نیست و دقیقه این حیات و زندگانی را قرون متوالیه و احقاف مترادفه و عهدهای متعدده معادله نمایم اینست آفتاب بیان که از افق سماء عنایت رحمن اشراق نموده انشاء الله باو منور و مسرور و متمسک و متشبث باشید انتهی

و اینکه مخصوص جناب محمد قبل علی علیه بهاء الله استدعای لوح امنع اقدس نمودند در ساحت عز احدیه عرض شد و باجابت مقرون لوحی از سماء فضل نازل و مخصوص ایشان ارسال شد برسانید انشاء الله بذکر حق و ثنای حق و خدمت امر حق مشغول باشند و باخلاق روحانی و اعمال مرضیه مزین وقتی لسان قدم باینکلمه محکمه مبارکه ناطق قوله عز کبریا

یا خادم و یا عبدی الحاضر بنویس بجناب نبیل الادی توجه بعد الاذن الی الافق الاعلی دوستان الهی را بکمال روح و ریحان از قبل حق وصیت نماید و جمیع را باداب حسنه و اعمال طیبیه و اخلاق روحانیه دعوت کند تا کل بما یحبّه الله و یرضی فائز شوند و همچنین بگویند و اخبار نمایند که فساد و نزاع و جدال و امثال آن شأن سبع ارض است شأن انسان مقدس و منزه و مبرا از این امور

یا اهل البهآ باعمال حق جل جلاله را نصرت نمائید و مدائن قلوب را باشمش فتح کنید مدن ظاهره و بر و بحر را حق تعالی شأنه بملوک واگذاشته لایق توجه دوستان الهی که فی الحقیقه از کوثر بقا آشامیده‌اند و بافق اعلی ناظرند نبوده و نیست و همچنین جمیع را امر نمودیم که بامری از امور و بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفسیکه حمل نمود و حمل نشد بکسب و اقتراف توجه نمایند فلسی از آن عند الله احب است از کنزیکه بغیر حق جمع شود و آماده گردد انشاء الله کل فائز شوند بآنچه از قلم اعلی نازل شده آنه یهدی من یشاء الی صراطه المستقیم الحمد لله العزیز الحکیم انتهی

این خادم فانی بصد هزار عجز و نیاز و ناله و ابتهاج از حق منبع سائل است که دوستان خود را مؤید فرماید بر عمل بآنچه در کتاب نازل شده آنه یحفظهم و یقرّبهم و یغنیهم عن دونه ان هذا الا فضل عظیم

و اینکه در باره زیارت مرقوم داشتند بعد از عرض مکتوب در ساحت اقدس بنیابت آنجناب زیارت مفصل بعمل و الحمد لله بطراز قبول فائز شد هنیئاً لجنابک و لعبد القائم لدی العرش

و اینکه در فقره عطر نوشته بودند انشاء الله میرسد و بنعمت وصال فائز میگردد حال مزرعه منظر اکبر واقع است مکتوب جناب آقا محمدعلی هنوز نرسیده انشاء الله میرسد

و در باره قطعۀ مبارکه مرقوم داشته بودند انشاء الله میرسد و بآن فائز میشوند انشاء الله در جمیع احوال بخدمت امر و
حفظ نفس خود لاجل خدمت موفق و مؤید باشند
ان ربنا الرحمن لهو الحافظ المقتدر العليم الحكيم البهاء على حضرتك و على من معك و على الذين فازوا بهذا الامر
العظيم

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ مه ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر